

# تأثیر الکلیسم در خانواده

و آزادمنشی را خفه میکند ، وساوس شیطانی را برمی‌انگیزاند . الکلیسم با دیوانگی ، خودکشی ، ضرب و جرح ، قتل ، حریق ، تجاوز ، بیماریهای زهروی ، سل ، تشمع کبدی ، سوانح رانندگی ، بی‌عفتی ، درندم خوئی ، طلاق ، بدرفتاری با فرزندان و سایر جرائم رابطه مستقیم دارد .

الکلیسم نسل آدمی را خراب و نژاد را فاسد میکند . الکلیسم خانمانها را برباد داده و از عوامل مهم زوال خانواده است.

الکل نظام اجتماعی را مختل میسازد و نیروی پایداری ملی را کاهش میدهد . الکلیسم ویرانگر خانواده است . خانواده به معنای وسیع کلمه : هم پیوند خانواده شخصی را متلاشی میسازد ، هم خانواده بزرگتر یعنی میهن را دچار تزلزل و ناپایداری و سقوط مینماید . برطبق اعلامیه کمیسیون الکلیسم

الکل زهری است خطرناک . مست آدمی است مسموم که عقل خود را از دست داده و خود را از هدایت پرتو فروغ بزرگترین عطیه الهی محروم ساخته و راه کمال را برخویشتن بسته است . الکل تقویت نمیکند بلکه نیروی آدمی را تحلیل میبرد . الکل در نخستین لحظات جذب آن در بدن، برای مدت کوتاهی هیجان‌انگیز و عامل محرک است ولی برای مدتی بالنسبه طولانی ایجاد رخوت و سستی میکند . الکل بازدهی کار تن و روان را بالا نمیرد . به عکس ، کارآئی آدمی را کاهش میدهد بر اشتباهات و سوانح میافزاید . الکل عمر را کوتاه و مزاج را علیل و ناتوان میسازد . الکل توانائی و قدرت مقاومت آدمی را زائل میسازد . الکل کف نفس را از بین میبرد ، ندای وجدان را خاموش میکند . الکل مقام انسانی را پست می‌سازد ، روح جوانمردی

آکادمی پزشکی فرانسه (که مامتن آنرا در جلد دوم علوم جنائی صفحه ۸۳۰ ترجمه نموده ایم) « بین عوامل متعددی که در شکست فرانسه به سال ۱۹۴۰ مؤثر بوده اند الکلیسم مزمن و حاد یراثر نوشابه های تقطیر شده و شراب نقشی بازی کرده که آکادمی تصور میکند وظیفه دار است آنرا اعلام کند .» و این اعلامیه از پیشنهاد و افکار استادی چون «لنیل - لوستین»<sup>۱</sup> مایه میگیرد که به آکادمی نوشت : «الکلیسم نه فقط به واسطه نوشابه های تقطیر شده بلکه به ویژه به واسطه شراب در بین سایر عوامل یکی از علل شکست ۱۹۴۰ میباشد .» و پرفسور هوبر استاد بزرگ و صاحب نظر روانپزشکی نیز نوشت «اشاعه الکلیسم از علل مستقیم و موجبات عمده شکست ما میباشد .»

کوتاه سخن : الکلیسم از نظر فردی آفت عقل ، عفاف ، جان ، اعصاب و هوش است و از گذرگاه اجتماعی آفت خانواده و جامعه .

فرد الکلی از واقعیت میگریزد و نمیتواند مسؤولیت زندگی روزمره را بپذیرد. پیداست که این نکته ناچه اندازه عامل ویرانگری خانواده ها تواند بود .

مستی یعنی مسمومیت حاد ناشی از نوشابه های الکلی .

«الکل کاملترین سم برای سلسله اعصاب و زهری است بیهوش کننده و خواب آور.»<sup>۲</sup>

نوشابه های الکلی ، پس از استعمال ، سریعاً جذب خون میشود و خون در مسیر خود ، مغز و مغز حرام را بسی نصیب نمیکندارد . «علاوه بر مغز ، در اعصاب

مطالعات فرسنگی  
مقاله علمی انسانی



محیطی نیز مؤثر میشود. رشته‌هایی که عروق سطحی بدن به کمک آنها تعادل طبیعی دارند فلج میشوند، عروق جلدی متسع گردیده خون از عمق به سطح توجه مینماید: چهره گلگون میشود... اما این چهره به ظاهر افروخته، باطنی آشفته دارد... حرکات قلب وریه زیاد شده و چون احساس خستگی به کنندی انجام میگردد به ظاهر توانائی عضلات و فعالیت دماغی افزایش یافته ولی بلافاصله همه رویه نقصان نهاده و ضعف و سستی آشکار پدید میآید و عضلات تعادل خود را از دست میدهد.»<sup>۲</sup>

الکل دستگاه فرماندهی بدن یعنی عالیترین اعمال مغزی را ضعیف میسازد و یا آنرا فلج نموده و از کار میاندازد. کف نفس یا نیروی باز دارنده از منتهیات و سیئات و متشاء شرم و حیا در انسانی که مانع از بروز اعمال و قیاحانه است در اثر مستی از کف به در می‌رود و با مال الکل انسان را به همان سیرت و منشی اولیه، خالی از سلکات و فضائل اکتسابی، بری از دانش و بینش که سالیان دراز در راه کسب آن مرارتها کشیده، نمودار میسازد. مستی مسیری است به سوی اتاویسم، بی‌شموری، انحطاط، نابودی.

الکل آنچنانی را آنچنان‌تر میکند و شخصیت حقیقی انسان که به وسیله شرم و حیا بر روی آن سرپوشی بوده و خویشتن‌داری مهار آنرا به دست دستگاه مرکزی اعصاب سپرده بود با ضعیف شدن یا فلج گردیدن این فرمانده، خود را همچنانکه هست نشان میدهد: بعضی‌ها بسیار خوشحال و شاداب میشوند «خنده‌های بلند و بیجا میکنند، مهربان و بذله‌گو میشوند، رفتار دوستانه خواهند داشت، برق محبت از چشمانشان

می‌جهد و یک پارچه صفا و خلوص نیت میگرددند. بذل و بخشش خارج از اندازه و خرج بی‌حساب میکنند و آنچه دارند بریاد میدهند، با پرحرفی خارج از موضوع سر دیگران را به درد می‌آورند، هر مطلبی را چندین بار تکرار میکنند، هر موضوع ساده‌ای را آنقدر شرح و تفصیل میدهند که اطرافیان را جان به لب میرسد یا ساکت می‌نشینند و لب از گفتار می‌بندند و اندوه فراوان بر آنان چیره میشود. «چون ماتمزدگان در غم موهوم به سوگواری می‌نشینند و سیل اشک از دیدگان جاری سازند «یا کینه‌های خفته در آنان بیدار و دشمنی نهان آشکار میگردد» تندخو و ستیزه‌جو میشوند «عربده میکشند و نفس کش می‌طلبند» (ع) یا در وضعی ملائمت‌گرانه گزاری میکنند و شکوه‌های کهن را به یاد می‌آورند و اسرار درون را فاش میسازند به همین مناسبت الکلیک‌ها را اعتماد نشاید و رازداری از آنان توقع نتوان داشت.

نظر به اینکه در حالت مستی عمل قوه عاقله موقتاً تعطیل میشود شخص مست با گذشته خود فاصله میگیرد، نگرانیها و آلام روحی و دغدغه خاطر خود را فراموش میکند به سخن دیگر چون قدرت فکر کردن از او سلب میشود دیگر دچار کابوس افکار خود نیست از چاله درآمده به چاه افتاده و از ماریه عقرب پناه برده است. چون شرم و حیا از بین رفت با مال ارتکاب اعمال شنیع و قبیح برای مستان تسهیل میشود. جنایات جنسی، آدسکشی، چاقو کشی، ضرب و جرح، دزدی، ولگردی و همه ویژگی‌های انسانهای وحشی درنده‌خو در بسیاری از موارد متعاقب استعمال نوشابه‌های الکلی رخ میدهد و چنین وضعی مصداق کامل اتاویسم است که داروین و سزار لمبروزو بدان می‌اندیشیده‌اند.



اینکه گفته‌اند در حال مستی ، نهار آدمی یا زیربنای شخصیت واقعی ، «او» یا «نفس اماره» فرصت جلوه‌گری مییابد و دست به عصیان و تاخت و تاز میزند ، حقیقت محض است زیرا الکل بدانسان که اشاره شد آنچنانی را آنچنانی‌تر میکند و مست هرچه در او هست بی‌پرده برون میریزد و ضرب‌المثل «مستی و راستی» و یا به‌گفته رومیان قدیم «در شراب حقیقت نهفته است» (۵) سخنی به‌گراف نیست .

مستان دارای اخلاقی ناپایدار و بی‌ثبات میشوند، برخویشتن مسلط نیستند، حملات خشم و غضب بر آنان مستولی میگردد . مستان افرادی خطرناک و بد عاقبت هستند . می‌خوارگانرا صحنه‌های وحشت‌انگیز در نظر آمده «می‌بینند که دیو و جن و غول و حیوانات درنده بر او حمله‌ور شده و حتی صدای آنها را میشوند ... خوراک خود را زهرآلود انگاشته به‌همه کس ظنین و همه را دشمن و درصدد قتل خویش می‌پندارند بر اثر این توهمات وحشتناک ممکنست یا خود را بکشند و یا دیگرانرا ...» (۶) و بدین ترتیب حتی برای خود و خانواده خود خطرناک میشوند عواطف انسانی را از دست میدهند برای هیچ کاری شایسته نیستند به خودشان هم نمیرسند سرو وضعی آشفته و ژولیده و بسیار کثیف دارند . تشخیص زمان و مکان برای مستان میسر نیست و رفتاری چون دیوانگان در پیش میگیرند . «گروهی از دانشمندان را عقیده بر آنست که تا در ارکان نیروی دماغی شخصی خللی نبوده و به‌دیوانگی دچار نباشد میگسار نخواهد شد یعنی شرب مدام خودنشان دیوانگی است نه سبب آن» (۷)

شارش آن خود کتابی پروزن تحت عنوان «کتاب‌نامه الکلیم» خواهد شد . این منابع را میتوان به‌این شرح طبقه‌بندی کرد :  
نوشابه‌های الکل در اسطوره‌ها و افسانه‌های باستانی - ادیان و مسکرات - میگساری در ادبیات - صنایع الکل - ضایعات الکل - مرگ و میر در اثر الکل - مسمومیت‌های الکل - الکل دشمن شماره یک خانواده‌ها - الکل و بیماریهای روانی - الکل از نظر اقتصادی - الکل و مسائل اجتماعی - الکل و جنایات - علل الکلیم - مبارزه با میگساری - درمان الکلیم ...

منابع تحقیقاتی و مدارک علمی راجع به مضرات الکلیم به‌قدری فراوان است که

آنچه مورد بحث ماست مانند بررسی هر عامل جرم‌زا در سه مبحث خلاصه میشود :

۱ - بررسی الکلیسم به‌عنوان یک‌معلول -  
یا به‌گفته دیگر الکلیسم مولود چه عواملی است؟ چرا به میگساری رو می‌آورند ؟ علل روانی و اجتماعی الکلیسم کدامند ؟

۲ - بررسی الکلیسم به‌عنوان یک‌عامل -  
در این مبحث آثار الکلیسم مورد مذاقه قرار می‌گیرد به‌این معنی که الکلیسم منشاء چه مشکلات فردی یا اجتماعی است و چگونه به‌امراض و مرگ و میر و فحشاء و جنایات و حوادث خونین دامن می‌زند و به‌خصوص در خانواده چه تأثیری دارد و چرا موجبی برای افزایش طلاق است و مستقیماً در رفتار و آینده‌ی کودکان و نوجوانان متعلق به‌خانواده - های الکلیک چه تأثیری دارد و کیفیت تأثیر آن چگونه است ؟

۳ - طرق مبارزه با الکلیسم - در این مبحث طرق مبارزه با عواملی که موجب اشاعه الکلیسم شده مورد بررسی قرار می‌گیرد . فراموش نکنیم که مسأله اساسی مورد بررسی ما درباره الکلیسم بسیار محدود و در باره خانواده است . فقط از رابطه الکل و طلاق و بدرفتاری پدران و مادران الکلیک با فرزندان و عاقبت شوم این فرزندان سخن درمیانست به‌همین مناسبت بررسی الکلیسم را به‌عنوان عامل جرم‌زا و طلاق مقدم می‌شماریم تا پس از وقوف به مخاطرات آن، علل اعتیاد به‌الکل و اشاعه الکلیسم مورد مطالعه قرار گیرد .

الکلیسم آفت خانواده است . الکل پیوند زناشویی راست و اغلب آنرا نابود می‌سازد . خوی تند و خشونت باده‌پرست قلب همسرش را میشکند و او را از خود

منزجر می‌سازد از این رو زن در خانه شوهر میگسار خود تأمین جانی ندارد و هر آن حیات خود را در معرض خطر تهاجم جنون آسای شوهر مست لایعقل خود احساس میکند . مردانیکه لب به نوشابه الکلی نمی‌زنند میگساری همسرانشان را نمیتوانند تحمل کنند . آمار کشورهای اروپائی نشان میدهد که ۳ درصد طلاق در آن دیار مولود بدمستی زنان بوده است و سهم مستی مردان در میزان طلاق به ۱ درصد میرسد . یکی از علل پائین بودن میزان طلاق در روستاهای کشور خودمان را بی‌گمان میتوان در اثر مصون ماندن روستائیان ایران از شر شراب و آفت الکل دانست و به‌عکس امکان دارد که کثرت طلاق در تهران متناسب با حجم نوشابه‌های الکلی استعمال شده باشد .

طبق تحقیقی که پژوهشگران مطبوعاتی دو روزنامه اطلاعات و کیهان در چند سال پیش به عمل آورده‌اند مصرف روزانه مردم تهران از مرز صد هزار لیتر نوشابه‌های الکلی مختلف گذشته بود که این اندازه آب برای مصرف یک روز مردم یک شهر متوسط با توجه به کلیه مصارف اعم از استحمام و شست‌وشو کافی است بهای متوسط این نوشابه در آن تاریخ بیش از پنج میلیون ریال بوده است که با آن پول در همان زمان امکان داشت روزانه ۱۷ دبستان در روستاها و یا شش دبیرستان مجهز در شهر تهران ساخت .

در آن تاریخ ، تهران دوهزار مرکز عرضه نوشابه‌های الکلی و بیش از ۱۸۰۰۰ نفر کارگر اعم از فروشنده و گارسون و آشپز و ۹۶۰ نفر کارگر کارخانه‌های مشروب‌سازی داشت که با تلاش شبانه‌روزی خود نیاز

میگساران تهران را برآوردند. باید اضافه نمائیم که ۶۰ لایبراتوار کنترل با ۲۳۹ کارمند متخصص به کار کنترل و مطالعات تحقیقاتی و بهسازی مشغول بوده‌اند که امروزه به‌طور یقین همه این ارقام رویه فزونی تأسفبار رفته‌اند.

به حکایت گزارش‌گر روزنامه رستاخیز (شماره ۲۵۵ - چهارشنبه ۱۳ اسفند ۵۴ صفحه ۱۶) «تهرائیها شبی دهمیلیون تومان خرج تفریحات شبانه میکنند» به‌اغلب احتمال این رقم مربوط به وجوهی است که مردم تهران در «۴ کباباره و دیسکوتک و ۶۰۰ رستوران» الکلی پایتخت خرج میکنند و حساب پرداخت بهای الکل در باشگاهها، عروسبها، شب‌نشینی‌های دوستانه!، مصرف در منازل، کنار خیابانها ... در جمع فوق منظور نشده است.

به حکایت همین گزارش «از کباباره‌های

درجه یک لوکس و درجه یک معمولی که بگذریم مشتریان مابقی کباباره‌ها را کلاممخملی‌ها تشکیل میدهند و نطقه غالب ماجراهای اسفانگیز در همین اماکن بسته میشود.»

«اکثر کباباره‌های درجه ۳ از خیابان شاهرضا به پائین و در جنوب شهر واقع شده‌اند و از انواع کباباره‌های جنجالی و پرسروصدا به‌شمار می‌روند. در کباباره‌های درجه ۳ بیشتر از هر چیز دیگر مشروبات الکلی مصرف میشود و یکی از علائم تشخیص و برتری در اینگونه اماکن تعداد هرچه بیشتر شیشه‌های مشروبات الکلی است که بر روی میز خودنمائی میکنند.»

درباره دگرگونی و تغییر ماهیت «بار» این گزارش اضافه میکند بار «اصطلاحاً به اماکنی اطلاق میشود که تعدادی از زنان بقیه در صفحه ۵۴



## سایر احکام و مآلده

ولی مرد الکلی به علت ابتلای به پسیکوز یا جنون الکلی نمیتواند پذیرای مسؤولیت زندگی روزمره خود شود. الکلی با عقل بیگانه است همیشه از واقعیت سبکبازد حتی از واقعیت حیات خانوادگی.

«کسانی که اسیر الکلی هستند بیشتر در زندگی داخلی ناسازگاری داشته و هفت مرتبه بیشتر از افراد معمولی اختلاف و جدائی و طلاق در خانواده‌های آنها حادث میشود.» (۸)

برای اینکه بدانیم الکلی با پیوند زناشویی چگونه بیدادگری میکند کافست به شکایت دردناک یک زن گوش فرا دهیم:

«زن هیجده ساله‌ای مدعی شد شوهر دائم الخمرش او را به یک هزار تومان **بهرسرد** دیگری فروخته است این زن که **محبومه** نام دارد و ساکن خزانه فرح‌آباد است ... چنین گفت:

دو سال پیش با قاسم، مردی که اکنون شوهر من است ازدواج کردم، در آغاز زندگی زناشویی قاسم چون هر مرد شرافتمند دیگر وسائل زندگی و رفاه مرا از هر حیث فراهم میکرد اول هر برج تمام حقوق خود را به من میداد و میگفت:

من سردکارم ... من کار میکنم و پول درمیآورم و تو باید زندگیمان را اداره کنی. آنچه برای من مهم است رضایت تو از زندگی است. اگر تو از زندگی راضی باشی قدرت کار من دو برابر میشود ...

و من از زندگی با این مرد واقعاً راضی بودم. با صمیمیت در کنارش زندگی میکردم

را ظاهراً به عنوان پیشخدمت یا گارسن و باطناً برای جلب مردان عزب و پول‌دار بکار میگیرند. این زنان نقش تونل ارتباطی را دارند که پول را از جیب مشتری از همه جا بی‌خبر به صندوق صاحب سودجو و طماع بار می‌برند. در اکثر این نوع بارها از مستی مشتری سوء استفاده شده به‌عنوان مختلف و با ارائه صورت حساب نادرست و غیرواقعی ویرا می‌چاپند ... مردانیکه میخواهند خستگی روزانه خود را با نوشیدن جرعه‌ای مشروب در مصاحبت زنی زیبا از تن به در کنند به بار پناه میبرند و نادانسته اندک اندک آلوده میشوند این دسته از مردان بدون آنکه خود بدانند کار این آلودگی را تا بدانجا میرسانند که رفتن به بار برایشان به‌صورت اعتیاد روزمره درمیآید.»

«بار رفتن برای مردان متأهل و خانواده‌دار همانقدر خطرناک است که آتش زیر باروت گرفتن، چه ناخودآگاه شروع به ازهم‌پاشیدن زندگی زناشویی و خانواده‌گیشان میکنند.» ... «قتل‌ها، سنازعات خونین، چاقوکشی و عربده جوئیهای توأم با به‌هم‌ریختن سبز و صندلی بار و شکستن شیشه‌ها و بطریهای مشروب از اجزای لاینفک اینگونه بارها به‌شمار میروند و بارها از این نقطه‌نظر بزرگترین دردمر پلیس و کلانتریها محسوب میشوند. در حال حاضر سی‌الی سی‌وپنج بار درجه یک و دو سه در تهران مشغول به کار هستند.»

زندگی زناشویی یک زندگی جدی با قبول مسؤولیت و توأم با حلاوت است.



خورده بود اما ایکاش آن شب ، اولین و آخرین شبی بود که شوهرم این زهر لعنتی را سرمیکشید ...

شبهای بعد هم قاسم مشروب خورد . این کار آنقدر ادامه یافت تا به صورت یک عادت درآمد . دیگر قاسم آن مردی نبود که سعادت مرا میخواست ... او حالا آنقدر درآمد نداشت که حتی قادر به تهیه مشروب الکلی خود باشد به این ترتیب زندگی سعادت مندانام ناپود گردید و خانه ای که روزی کانون سعادت ما بود به یک نکبت کده مبدل شد . من هم این مصیبت ها را به امید روزی که بالاخره قاسم از راه بدی که در آن گام نهاده بازگردد تحمل میکردم . اما افسوس که امید من به اصلاح شوهر ، امیدوی بیهوده بود و او هرروز بیشتر سقوط میکرد .

و میکوشیدم همچنان که او در فکر سعادت من است ، من هم وسایل آسایش او را از هر حیث فراهم کنم . خلاصه هم من از زندگی با قاسم راضی بودم و هم او از من رضایت داشت .

آغاز سیه روزی - زندگی سعادت مندانه ما چند صباحی ادامه یافت تا یک شب که همه چیز به یکباره عوض شد . آن شب قاسم خیلی دیرتر از همیشه به خانه آمد آنهم باحالتی غیرعادی ... چشمهایش قرمز بود ، پره های دماغش مرتباً باز بسته میشد و حین راه رفتن تلوتلو میخورد ... ابتدا گمان کردم بیمار است سخت نگران شدم جلو دویدم تازیر بازویش را بگیرم اما وقتی نزدیکش رسیدم ، بوی تند الکل حقیقت تلخی را برایم آشکار کرد . قاسم مشروب



والعیت تلخ - درحالی که نمیدانستم با این وضع چه کنم ، صبح روز قبل قاسم به اطلاع رسانید که امشب در خانه یکی از دوستانش میهمان هستم . باوجود آنکه حال وحوصله میهمانی رفتن نداشتم ، برای آنکه مبادا برنجد پذیرفتم و شب به این میهمانی لعنتی رفتم اما درآنجا دریافتم که قاسم به آخر خط رسیده است زیرا در آنجا از میهمانی خبری نبود فقط من بودم ، شوهرم بود و مرد دیگری .

قاسم بااستفاده از یک فرصت ، من و مرد غریبه را تنها گذاشت . وقتی او رفت مرد غریبه به من نزدیک شد ، حس کردم نظر سوئی دارد . فریاد زدم : قاسم ... قاسم ... اما جوابی نشنیدم . مرد غریبه وقتی سرا وحشت زده و ناراحت دید خنکهای کرد و گفت :

- مگر قاسم موضوع را برایت تعریف نکرد ؟

پرسیدم : کدام موضوع ؟  
و مرد غریبه حقیقت دردناکی را برایم فاش کرد :

- مگر قاسم به تو نگفته که از من هزار تومان گرفته تا امشب ...

فراو - وقتی از عمل بیشرمانه شوهرم مطلع شدم ، دریافتم که اگر بهسوق و صحیح عمل نکنم ، شراقتم را از دست خواهم داد . این بود که برای مرد غریبه تظاهر کردم حالاکه موضوع را فهمیدهام زیاد ناراحت نیستم و بعد به بهانه رفتن بهدستشویی از اتاق بهراهروی خانه او رفتم . بعد آهسته در خانه را گشودم و فرار کردم .

شب را در خانه پدرم گذرانیدم و امروز بهدادسرا آمدهام تا از مجریان قانون تقاضا کنم تکلیف مرا با مردی که روزی مرد بود

و حالا هیچ نیست و برای تهیه پول مشروب خود همسرش را به هزار تومان میفروشد ، روشن کنند .» (۹)

متأسفانه عمل نامردانه قاسم اولین ماجرای زندگی شرم آور الکلی نبوده است . همچنانکه بهطور یقین آخرین آنهم نمیباشد . جهان الکلی هرروز شاهد ماجراهائی فکین از این قماش است که ما بحث علمی آنرا دنبال خواهیم کرد .

### (1) Iaignel - Lavastine

(۲) - دکتر حسنعلی آذرخش : آفت زندگی ، تهران ۱۳۳۴ ، صفحه ۴۴ - نقل از کلودبرنارد فیزیولوژیست نامی فرانسه (۱۸۷۸ - ۱۸۱۳) . «آفت زندگی»

حاصل یک عمر تلاش و پژوهش جناب آقای دکتر آذرخش است . این کتاب بهترین وجامع ترین اثر فارسی است که درباره الکلیسم ، سیفلیس و افیون در ۴۰۰ صفحه با نثری شیوا و مطالعاتی گسترده و استفاده از منابع موثق علمی به فارسی زبانان اعطاء گردیده است . در تهیه این قسمت از مقاله از اثر ارزنده این محقق گرانمایه ایرانی استفاضه کامل نموده ایم .

(۳) و (۴) - همان مأخذ ، صفحات ۳۷ و ۴۰

### (5) - In Vino Varitas

(۶) و (۷) - دکتر آذرخش - مأخذ یاد شده - صفحه ۷۷

(۸) - عوارض الکلی ... ترجمه و تلخیص محمد عبادزاده کرمانی - خواندنیها شماره ۹۱ سال سی و پنجم - سهشنبه ۷ ارداد ۱۳۰۴

(۹) - شوهرم مرا به هزار تومان فروخت - اطلاعات - پنجشنبه ۱۹ ارداد ۱۳۰۱ شماره ۱۳۸۷۱ - صفحه ۲۶ .